

نظام مالیاتی

و
بودجه

در
اسلام

مقاله حاضر خلاصه‌ای است از کتاب
"مقدمه‌ای بر نظام مالیاتی و بودجه
در اسلام" نوشته س. م. رمدرسون از
انتشارات هجرت که توسط آقای
جهانگیر رضائی تلخیص و تنظیم شده
است.

دردوشماره قبل قسمت‌های اول و دوم
این مقاله را مطالعه کردید و در این
شماره آخرین قسمت آن بنظرتان
میرسد.

ویژگیهای عمومی مالیات‌های اسلامی

مالیات‌های اسلامی دارای ویژگیهای
عمومی میباشند که آنها را از سایر
مالیات متمایز میکنند و دارای سه
ختمانی متفاوت مینماید آن چنانکه
بعضی از این ویژگیها اساساً امکان
وجود آن در نظامهای مالیات‌های
غیر الهی وجود ندارد زیرا تنها در
داخل یک سیستم شامل با جهان بینی
الهی مفهوم می‌یابند.

(۵)

مهمترین ویژگیها بدین قرار است:

(۵) این ویژه گیها تا اندازه‌ای نسبت به جزیه استثنای پذیرا است زیرا
پرداخت کنندگان آن کفار میباشند.

پرداخت کنندگان میباید زیرا درآمدی که از ناحیه مالیات در اختیار دولت قرار میگیرد آنرا از نظر بودجه‌ای که برای تنظیم اجتماع و رشد اقتصاد لازم است تا مین مینمایند و با وجود برقراری نظم و نیز شکوفائی اقتصاد زمینه بهره‌وری برای مردم و از جمله مودیان مالیات آماده تر میگردند البته در کناره‌ها این گاهی به منطبق احساس نیز توسل جسته میشود و موسی خواهند از طریق بیدار نمودن گرایشهای عالی انسانی همچون حس ترحم، نوع دوستی و... مردم را توجیه نمایند. ولی با وجود همه اینها چنانکه عملاً در تمام کشورها مشهود است تخلف از پرداخت مالیات تا آنجا که ممکن باشد بطور معمول امری عادی است زیرا این توجیهات بر ندگی مطلوب را ندارد و همه با ورنه رند مطلوبیتی که با پرداخت مالیات از دست میدهند به همان اندازه از طریق دیگر جبران شود منطبق احساسات و عواطف نیز آنجا که از پیشوانه منطق عقل تهی باشد کار برد آن محدود خواهد شد به ویژه آنکه غرایز دیگری که چه بسا ممکن است قوی تر باشد به بردباری آنها برخیزد. انسان گرچه دارای حس ترحم، نوع دوستی، بخشش و... میباید اما در کناره آن نیز خودخواهی دنیا دوستی و بخل وجود دارد بنابراین...

این میخواستند حتی اگر ممکن شود از خدمات عمومی استفاده کرده بدون آنکه سهمی از هزینه آن را بعهده بگیرد پس مهمترین و کارآترین عامل اجرائی پرداخت مالیاتها به حسب نوع، قدرت و فشار دولتها می باشد و اگر این عامل از میان بر سر داشته شود باید ملاحظه نمود مردم تا چه حد حاضر به پرداختن مالیات میباشند. اما اسلام با داشتن منطقی واقع بین و جهان‌شناسی شامل تمام زوایای وجودی بشر را در نظر گرفته و ارتباط آنها با هدف نهائی او را، تبیین نموده است بدین جهت توجیه کافی و قاطع برای وظایفی که بعهده افراد می‌گذارد دارد، مسئله مالیاتها و پرداخت آن نیز از این قاعده مستثنی نیست. پرداخت خمس و زکات نه تنها انجام یک وظیفه اجتماعی است که تا مین درآمدی برای مصارف آنها باشد بلکه یک عمل عبادی است که فرد با انجام وظیفه خود بر نردبان رفیع کمالات انسانی با لامیرود و بر نفس سرکش غلبه کرده و جوی بخل و خست را که زمین گیرکننده انسان است به زنجیر میکشد.

یکی از مسایل مهمی که در مورد مالیاتها مطرح است با زدهی آنها نسبت به هزینه وصول میباید زیرا معمولاً برای تشخیص میزان مالیات

تعلق گرفته به افرا دو و وصول آن آنقدر نیا ز به سا ز ما نها و دستگا ههای مختلف است که موجب میشود قسمت عمده ای از درآمد های مالیاتی به مصرف دریافت آن برسد و چه بسا اتفاق می افتد هزینه وصول مساوی یا بیش از مقدار دریافتی میشود بدیهی است که این مشکل بیشتر ناشی از همان روحیه تمرد از پرداخت مالیات میباشد اما در نظام اقتصادی اسلام به واسطه ابتناء آن بر جهان بینی صحیح و وجود ایمان عمیق در جان مردم هزینه وصول مالیاتها به حداقل ممکن تقلیل یافته است زیرا مردم خود داد و طلبانه اقدام به پرداخت وجوه شرعی نمی نمایند و حتی در بعضی موارد شخص خود میتواند مالیات را به مصارف تعیین شده آن برساند مثل زکات و سهم سادات از خمس بنا بر سر احتمالی بلی در صورتیکه حاکم شرع بر اساس مصالحی امر کند که بایست تمام مالیاتها به او پرداخت شود دیگر امتناع از آن جایز نیست ولی با وجود این نیز آنچنان اعتمادی بایست حاکم باشد که اگر مالک بگوید به مال من زکاتی تعلق نگرفته سخن او پذیرفته میشود مگر این که بدانیم دروغ میگوید.

مالیاتیهای اسلامی به گونه ای است که بطور معمول زمینه ای برای پرداختها د نمی کنند تا مالیاتی که بعهده

او گذاشته شده آنرا به دیگران منتقل نماید زیرا مالیاتی که دارای با زده بیشتری میباشد با نرخ ثابت و بصورت نسبت اخذ میشوند و ایسین باعث میشود هر چه فرد بیشتر درآمد داشته باشد مالیات بیشتری را بپردازد مثلاً "تولید کنندگان گندم در یک کشور چندان انگیزه ای در خود احساس نمی کنند تا به واسطه پرداخت زکات بر قیمت گندم بیفزایند زیرا پرداخت زکات برای آنان از دو طریق ممکن است :

الف - زکات را از عین گندمها بپردازند که در این صورت گندمهایی که بعنوان زکات پرداخت شده یا به بازاری می آید و در نتیجه به سبب زیادتی عرضه زمینه ای برای افزایش قیمت وجود نخواهد داشت و یا آنکه توسط دریافت کنندگان مصرف میشود و از این طریق تقاضای گندم در بازار کاهش می یابد و بسا در این صورت زمینه ای برای افزایش قیمت وجود نخواهد داشت.

ب - زکات گندم را از راه پرداخت ارزش و قیمت آن ادا کنند، که در این صورت با بالا رفتن قیمت در بازار باید خود نیز

مالیات بیشتری بپردازند. از این جهت به واسطه تعلق زکات به آنان، چنانچه آنان انگیزه‌ای برای افزایش قیمت احساس نمی‌کنند خصوص با توجه به مبنای عقیدتی و ایمانی که در این مورد وجود دارد البته نبود انگیزه برای انتقال مالیات و در نتیجه اتحاد محل برخورد و استقرار آن در خمس ارباح مکاسب روشن تر است زیرا این مالیات بعد از پرداخت تمام هزینه‌ها می‌باشد و لهذا نمی‌تواند بطور معمول در فرد ایجاد انگیزه برای انتقال مالیات نماید.

مالیات‌های تابعی

اساس فقهی مالیات‌های تابعی

در طبقه‌بندی مالیات‌های اسلامی ذکر گردید که علاوه بر مالیات‌های مشخص اسلامی که بنحوی مورد مقدار یا نسبت آن از جانب شرع تعیین گردیده است مالیات‌های دیگری نیز وجود دارد که در نوسان است و وابسته به شرایط و اوضاع حاکم بر اجتماع می‌باشد، اساس فقهی اینگونه مالیات‌ها مبتنی بر وجوب تحقق امری در اجتماع می‌باشد که نیاز به درآمد مالی دارد

زیرا هر چیزی که بر همه افراد اجتماع چه بصورت عینی و چه بصورت کفایی واجب شد مسلماً " ملزم به تهیه مقدمات آن نیز می‌باشند و بنا بر این در موقعیکه پرداخت مالی جزو مقدمات فرا رگیرد آن نیز لازم است زیرا تخلف از آن موجب ترک واجب می‌شود.

بنا بر این هنگامی که خزانه دولت از سایر منابع درآمد که می‌تواند در مسیر جنگ مصرف شود خالی باشد بر همه لازم است در این مورد به اندازه توانائی خود یاری نمایند و اگر حاکم اسلامی بر اساس ولایت خود برای تنظیم اجتماع و حفظ ثغور مسلمین ضوابطی را برای مالیات جهت بودجه نظامی تعیین کرد واجب است مراعات شود.

و نظیر اعداد قوای نظامی است هر موضوع دیگری که به هر دلیل شرعی واجب شود و احتیاج به هزینه مالی داشته باشد، در حالی که منبعی برای تأمین آن فعلاً موجود نباشد مثلاً اگر هزینه‌های جاری دستگاه حکومت کمبودی داشته باشد چون حفظ حکومت از واجبات است باید توسط مردم پرداخت گردد، البته باید توجه داشت که در تمام این موارد پرداخت آن مقدار از مالیات واجب است که تحقق واجب شرعی بر آن متوقف می‌باشد در همین مثال اخیر فقط آن

مقدار از کمبود هزینه‌های حکومت پرداخت آن واجب است که در صورت عدم پرداخت امراداره حکومت به اختلال کشیده می‌شود اما هزینه‌ها گسترش امور اداری بیش از حد لزوم در صورتی که این گسترش را جحبا شد نه لازم پرداخت هزینه آن تنها را جح است .

دو نکته اساسی در وضع مالیات جدید
البته حاکم اسلامی در وضع مالیات جدید باید دو نکته اساسی را رعایت کند .

الف - موضوعی که تحقق آن مورد نظر حاکم اسلامی است و احتیاج به هزینه دارد، باید به مرحله وجوب رسیده باشد تا حاکم اسلامی بتواند برای تأمین هزینه‌های آن، امر الزامی به پرداخت مالیات نماید. البته وجوب و لزوم هر امر باید بطور نسبی و احتیاجات نهان و مکنون سنجیده شود که بالطبع دارای زمینه وسیعی خواهد بود .

ب - آن هنگام می‌توان وضع مالیات جدید نمود که از منابع مالیات‌های مستقل (زکات، خمس، خراج، جزیه) و سایر کمک‌های داوطلبانه و تبرعی

تا مین هزینه‌های مورد نظر ممکن نباشد .

روابط درآمد‌ها و هزینه‌های دولت اسلامی

بنا بر این بطور کلی می‌توان گفت:

۱- نسبت به درآمد‌های مالیاتی مستقل، هزینه دولت اسلامی لزوماً تابع درآمد است .

۲- نسبت به درآمد‌های غیر مالیاتی (کسی) بطور معمول، درآمد تابع هزینه‌های را جح است .

۳- نسبت به درآمد‌های مالیاتی تابعی، درآمد لزوماً تابع هزینه‌های ضروری است .

انفصال

یکی دیگر از منابع درآمدی حکومت اسلامی انفال است چون انفال ملک امام علیه السلام می‌باشد بنابراین این هرگونه که صلاح بدانند می‌توانند در آن تصرف بنمایند و بهره برداری کند. مهمترین آنچه از انفال شمرده شده است بدین قرار است :

۱- آنچه بدون جنگ از کفار بدست آید مثل اینکه کفار را محل خود کوچ کنند و اموال آنان را اختیار مسلمین قرار گیرند یا اینکه بدون جنگ تسلیم لشکریان اسلام شوند .

۲- زمینهای مواتی که قابل انتفاع نیست مگر به اصلاح کردن و آباد نمودن و نیز زمینهای بسدون

صاحب گرچه بالفعل قابل انتفاع باشد .

۳- کناره های دریاها و رودها

۴- قلل کوهها با آنچه از گیاه و درخت و سنگ و غیر آن در آنجا وجود دارد و بطن وادی ها و زمینهای که جنگل و نیزار است .

۵- غنایم بدست آمده بدون اذن امام علیه السلام .

۶- معادن که ملک شخص خاصی نباشد و واسطه تبعیت از زمین یا احیا .

۷- ارث کسی که وارث ندارد .

و بنا به بعضی از نظرها ملاک و معیار در اینک چیزی از انفال باشد این است که از اموال غیر متعلق به اشخاص باشد .

تحلیل انفال

ائمه علیهم السلام تحلیل نموده اند بیشتر انفال را بر شیعه بلکه به یک معنی نسبت به همه مسلمانان و بالاتر نسبت به کفار .

امام خمینی ادام الله ظله و عزه ، در تحریر می فرماید :

"ظاهرا" ، آنچه جمیع انفال برای شیعه است در زمان غیبت بروجهی که حاکم ملک بر آن جاری میشود بدون فرق بین غنی و فقیر مگر در ارث کسی که وارث ندارد بلکه احوط تقسیم آن

بر فقرا و شهر میباشد و اقوی رساندن آن به حاکم شرع است کما اینکه اقوی حصول ملک است برای غیر شیعه نیز ، به واسطه حیاضت آنچه در انفال میباشد از هیزم و غیر آن بلکه حاصل میشود ملک نسبت به موات با احیا برای غیر شیعه مثل شیعه ."

البته در این میان بعضی افراد هم هستند که این ابا حه نزد آنان ثابت نیست همچون ابوالصلاح حلّی از قدمای امام .

کیفیت دخالت دولت در انفال بعد از حکم تحلیل

در کتاب خمس آیه الله منتظری مدظله با وجود قبول تحلیل چنین آمده است :

"فالانفال محلله فی عصر الغیبه للمسلمین اوللشیعه قطعا" و لکن للحکومه الحقه النظر فیها والتصدی لتقسیمها و الانتفاع منها بنفع الاسلام و المسلمین و یجب لامحاله علی المسلمین اطاعتها فتدبر" (۶)

"پس انفال تحلیل شده در عصر غیبت برای مسلمین یا برای شیعه قطعا" و لکن برای حکومت حقه است نظر در آن و تصدی تقسیم یا انتفاع از آن به نفع اسلام و مسلمین و به ناچار واجب است بر مسلمین اطاعت

(۶) خمس آیه الله منتظری ص ۳۶۹ .

حکومت "

ظاهراً " این است که منع حاکم از احیا منحصر است به جایی که این منع ضرورت داشته باشد یا ملازم شئون سیاست و تنظیم اجتماع باشد زیرا منع خلاف قاعده است پس باید اقتصار بر قدر متیقن شود اما انتفاع از انفال به وسیله دولت بِنفع مسلمین توسط احیا در همه حال جایز بلکه راجح و احیاناً واجب است بنا بر این دولت میتواند همچون سایر مردم متصدی احیا و حیازت شود و از این طریق مقداری از هزینه های خود را تامین نماید .

بلکه بر اساس وظایفی که بعهده دولت است میتوان گفت شرایط تحقق تحجیر و اولویت نسبت به دولت دارای وسعت بیشتری میباشد و همچون فرد نیست که باید فوراً پس از تحجیر اقدام به احیا نماید و اگر بدون عذر اقدام نکرد حق او در معرض زوال قرار گیرد زیرا مهلت برای احیا با در نظر گرفتن نیازها و وظائف هر شخص و شخصیت و نیز مصالح اجتماع مشخص میشود و دولت را نمیتوان به فرد قیاس نمود بنا بر این حکومت اسلامی میتواند با تحجیر زمینها و معادن بسیاری از تصرف دیگران جلوگیری بعمل آورد و خود به بهره برداری بپردازد هر چند مدت زمان

زیادی فاصله شود ، ما دام که منافی مصالح اجتماع و ضوابط تعیین شده نباشد .

بهای خدمات

یکی دیگر از منابع مهم درآمد دولت اسلامی میتواند بهای خدماتی باشد که دولت به مردم ارائه میدهد از نظر فقه اسلامی دولت در مقابل تمام خدماتی که ارائه میدهد حق دارد از اشخاصی که از این خدمات استفاده میکنند قیمت آن را دریافت کند ، تنها بعضی خدمات اجباری و واجب بنا بر بعضی از نظریه ها باید مجانی باشد .

نشر پول

بعد از پیدایش پول اعتباری و نشر آن توسط دولتها ، وسیله خوبی در اختیار آنان قرار گرفت تا از این طریق نیز برای خود کسب درآمد کنند . هر وقت که مقدار پول موجود در جامعه کفاف احتیاجات و نیازات موجود را ندهد در این هنگام دولت با وارد کردن پول جدید ، علاوه بر رفع نیاز جامعه میتواند هزینه کالاهای و خدمات مورد نیاز خود را تامین نماید . استفاده از نظام پولی به همین مقدار محدود نمیشود بلکه در مواقع لزوم هر چند حجم پول موجود کمتر از احتیاجات نباشد با زدودن

میتوانند پول جدیدی را وارد جریان مبادلات کرده از این طریق هزینه‌های لازم خود را که محلی برای تأمین آن نیست جبران نماید.

البته استفاده از این روش منوط به رعایت شرایط و ضوابطی است که غفلت از آنها موجب بروز یک سلسله عوارض اقتصادی می‌باشد که مهمترین آن پدید آمدن تورم است ولی در اصل، استفاده از این روش از نظر فقه اسلامی جایز است زیرا ارزش پول اعتباری به واسطه اتکا و استناد آن به دولت می‌باشد و دولت نیز، دست کم در زمان حاضر هیچگونه تعهد و التزامی ندارد که ارزش پول را در حد معینی نگه دارد و آن گهی بفرض اینکه چنین التزامی بود اگر تنها یک وعده ابتدائی باشد تخلف از آن حرام نیست. نهایت التزامی که در اینجا میتوان گفت دولت بعهد خود گذاشته است آنهم التزام ابتدائی حفظ اصل ارزش پول است که مثلاً

در صورت اسقاط ارزش آن بطور کلی باید به نوعی این زیان را جبران کند.

در اینجا تمسک به قاعده "لاضرر" نیز نمی‌توان نمود تا چنین نتیجه گیری شود که انتشار پول اضافی موجب پائین آمدن ارزش پولهای افراد کشور میشود و ضرر بدانهاست پس جایز نمی‌باشد زیرا قاعده لاضرر مواردی را که خود فرد اقدام به یک امر ضروری کرده باشد شامل نمی‌شود و در این مورد نیز چون هر شخص به اختیار خود پول اعتباری نوسان دار انتخاب نموده و هرگز کسی او را اکراه بر این امر نکرده است قاعده "لاضرر" جاری نمی‌باشد. (۷)

استقراض

از جمله راههایی که دولت‌ها برای تأمین بودجه استفاده میکنند قرض است، که بصورت وامهای مختلف در اختیار دولت‌ها قرار میگیرد.



(۷) بعضی در اینگونه موارد نیز گفته اند ضرر مستند به شرع نیست، و قاعده "لاضرر" تنها ضررهایی مستند به شرع را نفی میکند.